

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی
(چهار مطالعه موردی)

مؤلف: دکتر رودلف پ. متی

مترجم: دکتر حسن زندیه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۰

Matthee, Rudolph P.

متی، رودلف

اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی (چهار مقاله موردي) / مؤلف رودلف پ. متی؛ مترجم حسن زندیه . — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.

شش، ۲۱۰ ص. : جدول. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۳۶). تاریخ: (۳۱)

ISBN: 978-964-7788-86-1

بهای: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۱۹۳ - ۱۹۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. ایران — سیاست اقتصادی — ۱۱۴۸ - ۹۰۷ ق. ۲. ایران — اوضاع اجتماعی — ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.

۳. ایران — روابط خارجی — ترکیه عثمانی. ۴. ترکیه عثمانی — روابط خارجی — ایران. الف. زندیه، حسن، مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۳۳۰/۰۹۵۵

الف ۲ م ۴۷۴ / ۷

۱۲۰۲۲۲۳

کتابخانه ملی ایران



اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی (چهار مطالعه موردی)

مؤلف: دکتر رودلف پ. متی

ترجمه: دکتر حسن زندیه

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۳۶؛ تاریخ: ۳۱)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۰ (چاپ اول: زمستان ۱۳۸۶)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - چاپ سبحان

قیمت: ۲۶۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قلم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☎ تلفن: ۰۲۵۱ (۲۱۱۱۲۰۰)

نمبر: ۲۸۰۲۰۹۰، ۲۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ ☎ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو ☎ تلفن: ۱ - ۶۶۹۷۸۹۲۰

www.rihu.ac.ir

Email:info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

[پژوهش در علوم انسانی [یه منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارنایزیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به « مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم

سپاسگزاری نماید.

چهار

فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجم
۳	مقدمه مؤلف
۸	بی‌نوشت‌ها

فصل اول: دیپلماسی ایران در قبال عثمانی طی دوره سلطنت شاه‌سليمان اول

۱۱	اهمیت صلح زهاب
۱۴	سیاست‌های صلح طلبانه ایران
۱۶	تکاپوها و تحریکات اروپاییان
۱۷	ائتلاف ضد عثمانی
۲۰	دیپلماسی لهستان
۲۲	هیئت‌های دیپلماتیک
۲۳	هوشیاری سیاسی شاه‌سليمان
۲۶	سیاست‌های مداخله‌جویانه پاپ
۲۷	دیپلماسی فعال لهستان
۳۰	ناکامی دیپلماسی اروپاییان
۳۱	دیپلماسی فعال شاه‌سليمان
۳۷	ضمیمه A
۴۰	ضمیمه B
۴۲	کتابشناسی

بنج

فصل دوم: تجارت طلا در اوخر عصر صفوی بین ونیز و سورات

۴۹	مقدمه
۵۱	۱. طلا در نظام پولی ایران، سال‌های ۱۳۰۰-۱۷۰۰ م/ ۶۹۹-۱۱۱۲ق
۵۵	۲. طلا: جریان‌ها و منافع
۶۲	۱. کارکرد طلا در ایران عصر صفوی
۷۳	۲. قیمت طلا
۸۸	نتیجه

فصل سوم: تجار در عصر صفوی (شرکا و دیدگاه‌ها)

۱۰۵	چکیده
۱۰۶	۱. مقدمه
۱۰۹	۲. شرکا یا دست اندکاران تجارت دوردست
۱۱۱	(الف) ارمنیان
۱۱۷	(ب) یهودیان
۱۲۳	(ج) هندی‌ها
۱۲۶	(د) مسلمانان
۱۳۳	۳. موقعیت اجتماعی و اقتدار سیاسی
۱۴۴	۴. آگاهی‌ها و خودآگاهی‌ها
۱۴۷	۵. نتیجه

فصل چهارم: ادغام ضرابخانه و وحامت مسکوکات در اوخر دوره صفوی

۱۵۱	چکیده
۱۵۲	مقدمه
۱۵۵	ادغام ضرابخانه
۱۹۰	نتیجه‌گیری
۱۹۲	علایم اختصاری - مجموعه‌های سکه‌شناسی
۱۹۳	منابع و مأخذ
۱۹۹	نمايه‌ها

مقدمه مترجم

تاریخ ایران عصر صفوی، ویژگی‌ها و جذایت‌های متنوع و منحصر به فردی دارد که آن را از سایر دوره‌های تاریخی ایران متمایز و ممتاز می‌سازد. از این رو به رغم تحقیقات وسیع و تبعات گسترده‌ای که از سوی محققان داخلی و خارجی پیرامون تاریخ این دوره انجام گرفته، به جرئت می‌توان اذعان داشت که گستره و دامنه مطالعات صفوی‌شناسی در میان ادوار مختلف تاریخ ایران کم نظیر است و هنوز هم این خوان گسترده میهمانان تازه‌ای را به سوی خود فرا می‌خواند و هر روز ابعاد تازه‌ای از مسائل فکری، فرهنگی، هنری، تمدنی، دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را جلوه گر می‌سازد.

ارزش و اهمیت دوره صفوی محدود به ایرانیان و پژوهشگران ایرانی نیست؛ در کشورهای دیگر نیز این رشته از تاریخ در گرایش‌های مختلف آن با شوق و علاقه وافری دنبال می‌شود و محققان ارزشمندی در جهان، عمر گرانبهای خود را صرف مطالعه و شناخت عصر صفوی کرده و با انتشار مقالات، کتب و برگزاری همایش‌های مختلف، خدمات ارزشمندی در حوزه صفوی‌شناسی ارائه می‌کنند. از جمله این پژوهشگران می‌توان دکتر رودلف پ. متی را نام برد. وی، هلندی‌الاصل و ساکن آمریکا و متخصص تاریخ ایران و خلیج فارس و در حال حاضر دانشیاری گروه تاریخ دانشگاه دلوار آمریکا در رشته تاریخ خاورمیانه را بر عهده دارند. او بیشتر تحصیلات عالی خود را در زادگاهش، هلند و دوره دکتری را در دانشگاه کالیفرنیای لوس‌آنجلس آمریکا به اتمام رسانده و در خلال این مدت برای آشتایی بیشتر با متون عربی و فارسی، یک سال در دانشگاه قاهره و یک سال در دانشگاه تهران حضور داشته است. متی درباره تاریخ دوره صفوی و قاجار آثار فراوان و عمیقی دارد و تاکنون بیش از ۳۰ مقاله در مجلات علمی و دانشنامه ایران به چاپ

رسانده و بیش از ده سخنرانی با محور ایران، بهویژه دوره صفوی در محافل علمی کشورهای مختلف ایراد کرده و با تألیف کتاب سیاست‌های تجاری صفویان: ابریشم در برابر نقره (The Politics of Trade in Safavid Iran: Silk for Silver) موفق به دریافت جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است.

این مجموعه چهار مقاله از دکتر متی در تاریخ صفوی است که هر یک در نوع خود بدیع و ارزشمند بوده و می‌تواند در شناخت تاریخ این دوره مفید و مؤثر واقع شود؛ بهویژه اینکه این مقالات عمده‌تاً متكی بر اسناد و مدارک آرشیوهای کشورهایی است که از دسترس محققان ایرانی دور مانده است. سبک نگارش دکتر متی تا حدی سنگین است؛ زیرا ماهیت این گونه مباحث تخصصی چنین سبکی را اقتضا می‌کند. با وجود این مترجم نهایت سعی خود را مبذول داشته تا علاوه بر رعایت امانت و حفظ محتوا، ترجمه از سلاست نیز برخوردار باشد و به این حد هم قناعت نکرده و متن ترجمه را به رؤیت مؤلف که زبان فارسی را هم خوب می‌داند رسانده است تا از خطأ و لغزان احتمالی پیراسته گردد. با وجود این بر اهل فضل و دانش است که سهو و نقصان مترجم را تذکر داده و مترجم را از لطف خود بهره‌مند سازند.

بر خود فرض می‌دانم که از زحمات دکتر متی در حوزه مطالعات صفوی شناسی و نگارش این مقالات ارزشمند و نیز همکاری و مساعدت ایشان در ترجمه و رفع اشکالات و ابهام‌های آن صمیمانه تشکر کنم. همچنین از همه عزیزانی که در انجام این کار یاورم بوده‌اند قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم.

حسن زنده

تابستان ۱۳۸۵

مقدمه مؤلف

عصر صفویان، سلسله‌ای که در سپیده‌دم قرن شانزدهم، ایران را تحت سلطه خود درآورد، غالباً به عنوان سرآغاز تاریخ جدید ایران مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا دولتی که آنها تشکیل دادند، نشانگر پیدایش دولت ملی ایران بود. به لحاظ تاریخی نابهنگام است که دولت صفوی را دولت ملی جدید بخوانیم و مهم این است که بدانیم جامعه صفوی در بسیاری جهات از ضرب سکه گرفته تا ساختارهای اجرایی، الگوها و رویه‌های مغول و تیموری را تداوم بخشد. در واقع صفویان، آگاهانه مشروعيت خود را برسنت کهن بنا نهادند. همان‌طور که مورخان تیموری تلاش کردند تا پیوند با مغولان را جعل کنند، مورخان صفوی هم سعی کردند تا بین شاه عباس اول و تیمور لنگ مناسبت برقرار کرده و او را چهره‌ای ملهم از فیوضات قدسی معرفی کنند. مع هذا، این نیز حقیقتی است که صفویان نقش‌های اصلی بسیاری ایفا کردند و میراث آنها از طرق متعددی جاری است.

آنها قسمت اعظم ایران را تحت لوای دستگاه سیاسی واحدی درآورده، شیوه زندگی خانه به دوشی قبیله‌ای را به جامعه یک‌جانشینی مبدل ساختند که بیشتر درآمد آن از طریق کشاورزی و تجارت حاصل می‌شد. نکته بسیار با اهمیت اینکه صفویان، مفهومی از پادشاهی موروثی مرکب از اقتدار ارضی با مشروعيت دینی ارائه کردند که با اندک جرح و تعديل تا قرن بیستم تداوم یافت. نظام سیاسی‌ای که در دوره آنها پدیدار گشت، با چارچوب‌های مذهبی و سیاسی و یک زیان اصلی هم‌پوشانی داشت. زبان فارسی به عنوان زبان ادبی مورد استفاده قرار گرفت و حتی تا جایی پیش رفت که جانشین زبان عربی به عنوان ابزار اندیشه مذهبی گردد.

نهادهای اجرایی متعددی که در عصر صفوی به وجود آمده یا از دوره‌های قبلی اقتباس شدند تا عصر قاجار به خوبی به حیات خود ادامه دادند. نهایت اینکه عصر صفوی نشانگر شروع مناسبات دائمی و باثبات دیپلماسی و تجاری بین ایران از طرفی و اروپا و جهان وسیع‌تر از طرف دیگر بود و به همین ترتیب گواهی بود بر الحاق ایران به شبکه جهانی سیاست و تجارت.

تا ایام اخیر، صفویان تقریباً صرفاً از منظر سیاسی و مذهبی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گرفتند. تا دهه ۱۹۸۰، تقریباً تمام تحقیقات راجع به این دوره، اعم از آنچه که ایرانیان خود می‌نوشتند یا از سوی غربیان منشر می‌گردید، مروری بر این سلسله با تمرکز بر خاستگاه‌های مذهبی و ظهور و سقوط آن یا بیوگرافی و یا بررسی مسائل سیاسی و اداری بود. موارد ذیل اولین نمونه مثال‌های خوبی هستند:

تحقیقات والتر هیتنس و میشل مزاوی، راجع به پیدایش صفویان در سده پانزدهم؛ تحقیق غلام سرور، درباره شاه اسماعیل اول، پژوهش‌های راجر سیوری، در مورد ایران عصر صفوی و کتاب قطور لارنس لاکهارت، درخصوص سقوط سلسله صفویه.^(۱) لوسین لویی بلان و نصرالله فلسفی هر دو بیوگرافی شاه عباس اول را نوشتند؛ ولادیمیر مینورسکی، تذكرة الملوك را تصحیح و تشریح کرده است و تحقیق کلاوس میشل رهبرین، در مورد نظام اداری صفویان، مشارکت‌های پایدار در مطالعات صفوی را اثبات کرده است.^(۲) تعدادی از تزهای غربیان که بیشتر آنها هرگز منتشر نشده‌اند، نیز انواری بر زوایای تاریک تاریخ این دوره افشانده‌اند.^(۳)

از ۱۹۸۰ تاکنون تحول چشمگیری به وجود آمده است؛ در این دوران توجه بیشتری به صفویان معطوف شده است. هفت کنفرانس بین‌المللی به عصر و سلسله صفوی اختصاص داده شده که به ترتیب در پاریس، کمبریج، ادینبورگ، بامبرگ و لندن برگزار گردیده است. اکنون تحقیقات مفصلی راجع به ابعاد مختلف این دوره در دست داریم، از جمله بررسی جدیدی راجع به صفویان که آندرونیومن به انجام رسانده است.^(۴)

موضوعات مهم اقتصادی، اجتماعی به طور مقایسه‌ای، فقط در ده سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. تا آن موقع اندکی از بیشتر پژوهش‌ها راجع به اقتصاد شهری آذربایجان، توسط محققان اتحاد جماهیر شوروی [سابق] صورت گرفته بود. اثر مهدی

کیوان، پیرامون اصناف ایران در دوره صفوی است و در داخل ایران پژوهش کلی، محمدابراهیم باستانی پاریزی، در مورد اقتصاد ایران عصر صفوی است.^(۵) به نظر می‌رسد علل این خلاً و واماندگی، دوگانه است؛ اولین و شاید مهم‌ترین علت، تأثیر جهان بینی ایدئالیستی رایج در میان ایرانیان است که تمایل دارد به جهان عظیم به عنوان بازتاب اصول غیرمادی واقعی بیش از برآیند شرایط و مراحل سیاسی اجتماعی و اقتصادی توجه کند. این جهان بینی قطعاً در حد وسیعی تحت تأثیر تمایل فرهنگی در ضمیر ایرانیان قرار دارد که به واسطه غرور قابل درک آنها در میراث فرهنگی عظیم کشورشان، بهویژه توصیفات ادبی و به خصوص شعر، پرورش یافته است. عامل دیگر به ماهیت منابع مربوط می‌شود که از شرایط یکسانی نشئت می‌گیرند.

اطلاعات اندکی در مورد اهمیت مسائل اجتماعی، اقتصادی در منابع اولیه که در خود ایران شکل گرفته‌اند، وجود دارد. مطالعه وقایع‌نگاری‌های درباری صفوی، اولین منبع اطلاعاتی ما از این دوره، هیچ مطلب ارزشمندی راجع به مسائل اقتصادی ارائه نمی‌دهند و فقط نگاهی اجمالی به ساختار اجتماعی و سازوکار زندگی روزمره از خلال گزارش‌هایی به دست می‌آید که تمایل دارند بر اردکشی‌های مکرر نظامی، کامیابی‌های شاه و عزل و نصب‌های سیاسی تمرکز کنند. جهت اطلاع از چنین موضوعاتی می‌توان به منابع معاصر غربی اتکا کرد، از جمله سیاحت‌نامه‌های سیاحان معروفی نظیر ژان شاردن و ژان باتیست تاورنیه و تعداد بی‌شمار دیگر و حتی مهم‌تر از آنها گزارش‌های کمپانی‌های دریایی که در خلیج فارس و داخل خاک ایران طی قرن هفدهم فعالیت می‌کردند که برجسته‌ترین آنها انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بودند. از میان اینها هلندی‌ها اطلاعات بیشتری ارائه می‌کنند. که کمتر دست یافتنی هستند، زیرا زبانشان چندان آشنا نیست؛ خواندن زبان هلندی قرن هفدهم نیز که در دست نوشه‌های قدیم آنها به کار رفته، مشکل است.

آخرین آخرين، اما نه، کم‌اهمیت‌ترین، حوزه سکه‌شناسی است که در هر دوره‌ای از تاریخ ایران غیر از دوران قبل از اسلام بدون تغییر بوده است، وجود داشتن و در دسترس بودن هزاران سکه از دوره صفوی، منبع بسیار ارزشمندی را جهت اطلاع ارائه می‌کند که می‌تواند زوایای مبهم تاریخ اوضاع سیاسی اقتصادی این دوره را روشن کند.

تعداد اندکی از محققان، شروع به کندوکاو در این منابع کرده‌اند تا اولین تحقیقات اساسی

راجع به مسائل اقتصادی را ارائه کنند. هم اکنون مطالعات گسترشده ویلم فلور، آثار متعددی راجع به اقتصاد عصر صفوی، نظام مالیاتی پیش از عصر مدرن و نساجی ایران بین سال‌های ۱۵۰۰ و ۱۹۲۵م، در دسترس ما قرار داده است. محققان دیگری نقش ارامنه جلفا در ایران عصر صفوی و سهم بازرگانان هندی در اقتصاد صفوی را بررسی کرده‌اند. نگارنده خود سهمی در مطالعات راجع به تجارت ابریشم در دوره صفوی و جنبه‌های مختلف مواد مخدر و داروهای محرک در اوایل دوران مدرن ایران داشته است.^(۶)

وجود و قابلیت فزاینده دسترسی به این منابع متعدد امکان بسیاری برای پژوهش در حیات اقتصادی عصر صفوی فراهم کرده است. امید است اثری که پیش روی شماست، طبیعه تحقیقات آینده در این حوزه باشد. محققان جوان ایرانی هم باید در این راستا بکوشند. بعضی از آنها اکنون همگام با برنامه دولت هلند تحت عنوان TANAP درصد یادگیری خط سدۀ هفدهم هلندی هستند و مدتی را جهت انجام تحقیق و انتشار اثر تحقیقی خود در آرشیو هلند سپری می‌کنند. مطمئناً تمام دوران صفوی و ابعاد حیات اقتصادی نمی‌تواند بر مبنای مواد منابع خارجی به طور ثمربخش مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه این منابع فقط پیرامون اوایل زمامداری شاه عباس اول و عمدها در مورد بازرگانی، سیاست‌های تجاری حکومت و سلسله مراتب قدرت در دربار سلطنتی اطلاعاتی ارائه می‌کنند.

از همین روی نوشه‌های بازرگانان خارجی و اطلاعات ارائه شده توسط سکه‌ها، آگاهی ما را در مورد نظام کشاورزی و دهقانی افزایش نمی‌دهد. به هر حال آنها اطلاعات منحصر به فردی پیرامون مسائل سیاست پولی حکومت و همچنین جریان محصولات تجاری انبوه و ماهیت متغیر نقش ایران در اقتصاد بین‌المللی ارائه می‌کنند.

به همین ترتیب کمپانی‌های خارجی در مراکز ایالتی نظیر بندرعباس، شیراز و کرمان فعال بودند و مکتوبات آنها می‌تواند بر روابط متقابل بین تجارت و سیاست نواحی دور دست نیز پرتو افشاری کند و بنابراین روابط مرکز-پیرامون را روشن می‌سازد.

نگارنده مقالات تحقیقی مفصلی درباره برخی موضوعات و مسائل پیش‌گفته با عطف توجه به سدۀ دوم فرمانروایی صفویان در خصوص مسائل پولی، کالاهای تجاری، تجارت و نقش آنها در امور سیاسی - اجتماعی صفویان به رشتۀ تحریر درآورده که اهدافی چند این تحقیقات را موجب شده‌اند:

یکی از اهداف، تلاش نه برای جستجوی اوضاع اقتصادی و مراحل آن در خلا، بلکه برای بررسی متقابل بین کنش اقتصادی و شرایط سیاسی جهت وارسی اینکه چگونه منافع و فشارهای سیاسی، سیاست‌های اقتصادی و مراحل آن را شکل می‌دهد. هدف دیگر از شرایطی ناشی می‌شود که ایران دقیقاً در دوره صفوی با دنیای وسیع‌تری رابطه برقرار کرد و این علاقه‌ای است جهت بررسی تطبیقی اقتصاد کشور تا تبیین گردد که در محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وسیع‌تری قرار گرفته است و تأکیدی است بر ماهیت تعاملی کشور که در اقتصاد بین‌المللی درگیر است. هدف سوم، بررسی وضعیت اقتصاد صفوی با توجه به سقوط آن و تلاش برای کشف نیروهای غیر سیاسی متعددی است که در سقوط دولت نقش داشتند و این فرایندی است که با سقوط سلسله در اوایل قرن هیجدهم پایان می‌یابد.

از آقای حسن زندیه که بعضی از آثار مرا در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار می‌دهد بسیار سپاسگزارم. او با دقت و سعی و کوشش زیاد کار ترجمه را انجام داده و این مقالات متعدد را در این کتاب فراهم آورده است. جهت اطمینان مواردی را که نیازمند تعبیر و تفسیر بوده، با من در میان گذاشته است. امیدوارم این اثر مورد بحث و جدل محققانه قرار گیرد و الهام‌بخش محققان ایرانی در توجه بیشتر به تأثیر متقابل بین سیاست و اقتصاد و مسائل اجتماعی عصر صفوی گردد.

رودی متی

دانشگاه دلیوار، آمریکا

ژولای ۲۰۰۶

پی‌نوشت‌ها

1. W. Hins, *Irans Aufstieg zum Nationalstaat im Funfzehnten Jahrhunder* (Berlin and Leipzig, 1936); M. Mazzoui, *The Origins of the Safawids* (Wiesbaden, 1972); Gh. Sarwar, *History of shah Isma il Safawi* (Aligarh, 1939); R. Savory, *Iran under the Safavids* (Cambridge, 1980).
2. L. L. Bellan, *Chah Abbas I, sa vie, son histoire* (Paris, 1932); N. Falasfi, *Zindigani-yi Shah Abbas-i avval*, 5 vols. (Tehran, 5th edn., 1369/1990); V. Minorsky, ed. and trans., *Tadhkirat al-Muluk: A Manual of Safavid Administration* (Cambridge, 1943); L. Lockhart, *The Fall of the Safavi Dynasty and the Afghan Occupation of Persia* (Cambridge, 1958); K. M. Rohrborn, *Provinzen und Zentralgewalt persiens im 16. und 17. Jahrhundert* (berlin, 1966).
3. اینها در سیاق وقایع‌نگاری هستند. K. Bayani, "les relations de l'Iran avec l'Europe occidentale a lepoque Safavide" (Portugale, Espagne, Angleterre, Hollande et France) (Paris, 1937); Hans R. Roemer, "Der Niedergang Irans nach dem Tode Isma'ils des Grausamen, 1577-1581" (Wurzburg, 1939); M.B. Dickson, "Shah Tahmasb and the Uzbeks (The Duel for Khurasan with Ubayd khan: 930-946/1524-1540" Ph.D. diss., Princeton Univ., 1958; H. Braun, "Das Erbe Schah Abbas I. Iran und Seine Konige (1629-1694). "Diss. Phil., University of Hamburg, 1967; P. Luft", Iran unter Schah Abbas II (1642-1666)" Diss. Phil., University of Gottingen, 1968; J. Emerson, "Ex Oriente Lux: Ph. D. diss., Oxford Univ., 1969; R.W. Ferrier, "British-Persian Relations in the 17th Century, "PH.D. diss., Cambridge Univ. 1970 and E. Glassen "Die fruhen Safawiden nach Qazi Ahmad Qumi (Freiburg 1970).
4. A. J. Newman, *Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire* (London, 2006).
5. M. Kh. Geidarov, *Resmeslernoe proizvodstvo vo gorodakh Azerbaidzhana v XVII v.* (Crafts production in the cities of Azerbaijan in the 17th Century) (Baku,

1967); M. Keyvani, *Artisans and Guild Life in the Later Safavid Period: Contribution to the Socioeconomic History of Persia* (Berlin, 1982); K.K. Kutsiiia, *Sotsialno ekonomicheskaia struktura I sotsialnaia bor'bo v gorodakh Irana* (The socioeconomic structure and the social struggle in the cities of Safavid Iran) (Tiflis, 1990);

محمد ابراهیم باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، چ سوم، تهران، ۱۳۶۲.

6. W. Floor, *The Economy of Safavid Persia* (Wiesbaden, 2000); idem, *A Fiscal History of Iran in the safavid and Qajar Periods, 1500-1925* (New York, 1998); idem, *The Persian Textile Industry in Historical Perspective 1500-1925* (Paris, 1999); I. Baghidianz McCabe, *The Shah's Silk for European Silver: The Eurasian Trade of the Julfa Armenians in Safavid Iran and India* (1530-1750) (Atlanta, 2000); S.F. Dale, *Indian Merchants and Eurasian Trade, 1600-1750* (Cambridge, 1994). R. Matthee, *The Politics of Trade in Safavid Iran: Silk for Silver, 1600-1730* (Cambridge, 1999); idem, *The Pursuit of Pleasure: Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500-1900*. (Princeton, 2005).

دو تر مهم در رابطه با ابعاد حیات اقتصادی در ایران عصر صفوی:

E. Herzig. "The Armenian Merchants of New Julfa, Isfahan: A study in Pre-modern Asian Trade" (Ph.D. dissertation, Oxford University 1997). and R. Klein, "Trade in the Safavid Port City of Bandar Abbas and the Persian Gulf Area (ca. 1600-1680). A. Study of Selected Aspects" (Ph.D. dissertation, University of London. 1993-1994)

۱۰ خالی می باشد

فصل اول

دیپلماسی ایران در قبال عثمانی طی دوره سلطنت شاه سلیمان اول (۱۰۷۷-۱۶۶۶ق / ۱۶۹۴-۱۱۰۵م)

۲۱) اهمیت صلح زهاب

معاهده صلح زهاب یا قصر شیرین در سال ۱۰۴۹ق / ۱۶۳۹م، بین دولت صفوی و امپراتوری عثمانی منعقد گردید. این رویداد باید به عنوان نقطه عطفی در تاریخ نظامی، تجاری و سیاسی صفویان قلمداد گردد، چراکه تقریباً یک قرن و نیم دشمنی میان دو قدرت بزرگ را خاتمه بخشید.^۳ این توافق، هر دو دولت را از تهیه تدارکات و آمادگی جهت جنگ

۱. عناوین داخل کروشه برای دسته‌بندی بهتر مطالب توسط مترجم تنظیم گردیده است.

۲. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Rudi Matthee, Iran's Ottoman Diplomacy During the Reign of Shah Sulayman I (1077-1105/

1666-94), *Iran and Iranian Studies, Essays in Honor of Iraj Afshar* 1998, ZAGROS PRINCETON.

NEW JERSEY

نخستین نسخه این مقاله در سومین کنفرانس جامعه اروپایی مطالعات ایرانی در دانشگاه کمبریج انگلستان در سپتامبر ۱۹۹۵ ارائه گردید. ضروری است که مراتب سپاس خود را از دکتر پائولو ارساتی (Paola Orsatti) و دکتر آنجلو پیه مونتز (Angelo Piemontese) اعلام دارم که زحمت وارسی متن‌های ایتالیایی را تقبل نمودند. همچنین باید از دکتر موریزو پیتسوسو (Maurizio Pistoso) و دکتر آناوانزان (Anna vanzan) تشکر کنم که پاره‌ای از مشکلات و ابهامات ترجمه را برطرف نمودند.

۳. پیمان ۳۵ سال دوام داشت، اما در سال ۱۰۳۲ق / ۱۶۲۳م در پی شورش بکر، والی بغداد که سرانجام قصد ترک بغداد را به شاه ایران داشت، این پیمان شکسته شد. پس از جنگ‌های طولانی سرانجام مراد چهارم، شخصاً در رأس سپاه به سوی بغداد رفت و آنجا را تصرف کرد و با درخواست ایران در محرم سال ۱۰۴۹ / مارس ۱۶۳۹ با بستن پیمان قصر شیرین، جنگی که هفده سال به درازا کشیده بود، پایان گرفت. به موجب پیمان قصر شیرین، بغداد باز پس گرفته شد و خصان، بدراه، مندلی، خانقین، دره تنگ شاخه‌های ضباء‌الدین هارونی عشیره چاف و نیز روزتاهای غرب «قلعة زنجیر»، قسمت غربی کوه‌های پشت قلعه علی ظالم که نزدیک شهر زور بود، اراضی موجود در مرازهای قدیم آخسقه، قارص، وان، شهر زور، بغداد و بصره در دست عثمانی‌ها می‌ماند و قلعه‌ها و

قریب الوقوع در آذربایجان و بین‌النهرین بی‌نیاز ساخت. گرچه اشتباه است که انعقاد معاهده صلح را به عنوان سرآغاز ضعف روحیه جنگی ایرانیان و علت اصلی ناکارآمدی و فروپاشی ماشین جنگی صفویان تصور نماییم،^۱ لکن بدون تردید آن معاهده در درازمدت روند آماده‌باش‌های نظامی را کاهش داد. آنچه کمتر مد نظر قرار گرفته، بهبود روابط بازرگانی بود که در پی انعقاد معاهده صلح زهاب و کاهش تنش پدیدار گشت. در این معاهده، ماده‌ای گنجانده شده بود^۲ که به موجب آن منافع هر دو دولت ایجاد می‌کرد که به بازرگانان اجازه دهنده بدون مانع، در قلمرو یکدیگر رفت و آمد کنند. از این پس تجارت بین ایران و بنادر لوانت،^۳ از مسیر آناطولی و بین‌النهرین در امنیت کامل و بدون مذاہمت‌های فراوانی که در گرم‌گرم جنگ‌های ایران و عثمانی کاروان‌ها را به ستوه آورده بودند، جریان داشت.^۴

روستای شرق قلعه زنجیر و قلعه مهریان در اختیار ایران قرار می‌گرفت. همچنین قلعه‌های موجود در قوتور، ماکو واقع در مرز وان و نیز قلعه‌های مرزی قارص از سوی طریق ویران می‌شد. پس از سیستان پیمان صلح، دو سلطان هدیه‌های گرانبهایی رد و بدل کردند. پس از این تاریخ تا قرن هیجدهم؛ زمان طهماسب دوم که افغان‌ها بر ایران مستولی شدند و عثمانی‌ها با استفاده از این موقعیت به نیت زیون‌کشی پیمان صلح را شکستند، روابط دوستانه بین ایران و عثمانی ادامه داشت و سفیران رد و بدل می‌شدند. ر.ک: اوizon چارشی لی، اسماعیل حقی، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت (چاپ اول: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۷)، ج.۵، ص.۱۴۳.) (م)

۱. بعضی از محققان بر این عقیده‌اند که عهدنامه مزبور، هر چند موجب آسایش بندگان خدا از ایرانیان و ترکان گردید و مرزنشیان ایرانی و ترک، مدتی در حدود ۸۶ سال از آرامش و آسایش برخوردار شدند، اثرات بدی در قزلباشان گذاشت. به این معنا که دولت صفوی بر اثر فراغت خاطر از جنگ با دشمنان دیرین، کوشش و جوشش خود را از دست داد و به جمع ثروت و کسب لذت افتاد و سران قزلباش نیز به جای جنگیدن با دشمنان کشور و تصرف اراضی مخالفان، به جان رعایا افتادند و به قیمت دسترنج آنها به ایجاد کاخ‌ها و خریدن سراها و باغها و انباشتن سرمایه فراوان پرداختند و... (ر.ک: عبدالحسین نوایی، استاد و مکاتبات سیاسی ایران (از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵) همراه با یادداشتهای تفصیلی (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۰) مقدمه، ص.۱۱). (م)

۲. برای اطلاع ر.ک:

Rudolph. MATTHEE. *The politics of Trade in safavid iran's silk for silver' 1600-1730* 'cambridge University press', 1999, pp.171-172 Cambridge.

3. Levantine (بنادر حوزه دریای مدیترانه)

۴. برای اطلاع از نسخه‌های متعدد متن ترکی معاهده ر.ک: وحید قزوینی، ۱۹۵۱، ص.۵۴-۵۰؛ مهندس باشی، ۱۹۶۹، ص.۷۷-۷۴؛ اعتماد السلطنة، ۱۹۸۴-۸، ص.۹۴۳-۹۴۰؛ نوایی ۱۹۸۱، ص.۴۲-۳۹ و اسکندر منشی و واله اصفهانی، ۱۹۳۸، ص.۴۲۷-۴۲۳؛ نسخه‌های فارسی در آثار ذیل گنجانده شده‌اند: نوایی، ۱۹۸۱، ص.۳۸-۳۵؛ وحید مازندرانی، ۱۹۶۹، ص.۸۲-۸۱؛ مهندس باشی ۱۹۶۹، ص.۱۱-۷۷؛ اسکندر منشی و واله اصفهانی، ۱۹۳۸، ص.۲۲۳-۲۲۰؛ فریدون بیگ، ۱۸۵۸، ج.۲، ص.۱۸۵۸-۱۸۵۹؛ جهت اطلاع از رونوشت‌هایی که از روی نسخه اصلی متن معاهده برداشته شده است ر.ک: دانشپژوه ۱۹۸۵. یک ترجمه انگلیسی از روى متن ترکي و تعدادي عبارات مربوط به معاهده، نزد ادموند(Edmonds) یافت شد. ۱۹۷۵، ص.۱۲۵-۱۲۷؛ یک بحث جالب درباره شرایط معاهده را می‌توان در اثر برآون(Braun) ۱۹۶۹، ص.۲۲-۴۱، مطالعه کرد. بحث‌های بیشتر مربوط به بازرگانان (و زوار ایرانی که از قلمرو

سرانجام ثابت شد که معاهده صلح به طور قابل ملاحظه‌ای پایدار است. مفاد این معاهده تا دهه ۱۷۲۰م، یعنی هنگامی که غروب ستاره اقبال دولت صفوی، عثمانی‌ها را جهت اشغال بخش‌هایی از مناطق شمالی ایران به اتحاد با روس‌ها سوق داد، رعایت می‌شد. در واقع، میراث آن معاهده تا امروز نیز باقی است. از هنگامی که معاهده صلح زهاب مرزهای دو کشور را مشخص کرد، این وضعیت با اندک تغییراتی در مرزبندی‌های بعدی ایران و عثمانی و حتی نشان‌گذاری جهت تعیین حدود و شغور بین ایران معاصر، عراق و ترکیه مجددًا تصریح و تأیید می‌شد.^۱

همان‌طور که معاهده صلح اشعار داشت، طرفین با دقت و وسوسات زیاد خواستار آن بودند که با استناد واتکا به مواد عهدنامه اوضاع را تحکیم بخشنند و تمایلات صلح طلبی آینده را از طریق مبادلات سیاسی تصدیق نمایند. از این‌رو طی سال‌های ۱۰۵۰-۱۰۷۲ق / ۱۶۴۰-۱۶۶۲م، هر یک از دولت‌های عثمانی و صفوی چهار هیئت سیاسی به پایتخت‌های یکدیگر اعزام داشتند.^۲ در خلال سه دهه بعدی مبادله سفیران تداوم یافت، البته روند آن با سیر نزولی همراه بود. صرف نظر از هیئت‌های سیاسی عثمانی و صفوی که حامل پیام‌های تبریک و تهنیت بودند و به ترتیب در سال‌های ۱۰۷۸ق / ۱۶۶۷م و ۱۱۰۳ق / ۱۶۹۱م، به کشورهای یکدیگر رفت و آمد کردند، به نظر می‌رسد عثمانی‌ها فقط یک هیئت سیاسی را در سال ۱۱۰۳ق / ۱۶۹۱م، به اصفهان گسیل داشتند؛ سال‌هایی که در آن، بحران‌های جدید یک‌بار دیگر صلح را نشانه رفته بود. در عوض به نظر نمی‌رسد که ایرانیان در این دوره، سفارت‌خانه واقعی در عثمانی داشته باشند.^۳

عثمانی عبور می‌کردند) طی ملاقاتی با سفارت کبرای عثمانی در سال ۱۰۶۷-۱۰۶۸ق / ۱۶۷۵-۱۶۷۶م در اصفهان انجام شد. در عوض صلح موقت بیست‌ساله، از عثمانی‌ها خواسته شد با تقاضاهای صفویان مبنی بر کاهش عوارض تحمیلی از زوار ایرانی به مکه موافقت کنند و بستری را فراهم آورند که وراث بازرگانان ایرانی که در خاک عثمانی فوت نموده‌اند، بتوانند کالاها و سرمایه‌های آنان را به ارث ببرند. ر.ک:

Algemeen Rijksarchief, the Hague' VOC 1229.j. Willem'sz' Gamron' to Horen xvii' 30 november 1657 fol.834.

۱. جهت اطلاع از تداوم روابط سیاسی دولت عثمانی - صفوی در قرن هیجدهم ر.ک:

Tucker, 1996.

2. Braun' 1969' 42.

اطلاعات موجود در تحقیق براون غالباً برگرفته از عیلسنامه، اثر محمد‌طاهر وحید قزوینی است (وحید قزوینی، ۱۹۵۱) همچنین ر.ک: ثابتیان، ۱۹۶۴، ص ۳۴۲-۳۴۴.

۳. ر.ک: اعتماد‌السلطنة ۱۹۸۴، ج ۲، ص ۹۹۴-۹۹۵؛ ریاحی ۱۹۸۹، ص ۴۳-۴۴. تضعیف دیپلماسی فعال ایرانیان در پی

سیاست‌های صلح‌طلبانه ایران

منابع اندک منتشرشده مربوط به روابط دولت عثمانی و صفوی طی اوآخر قرن هفدهم، نتیجه‌گیری قطعی در مورد انگیزه‌های صلح طلبی متقابل این دو دولت را بسیار مشکل می‌کند. تا انتشار بخش دیگر تحقیقات بکر کوتوك اغلو^۱ درباره روابط دولت عثمانی - صفوی در قرن هفدهم، گزارش‌های سیاسی عثمانی - ورای سال‌های ۱۰۲۱ق / ۱۶۱۲م - به تعدادی نامه‌های پراکنده منحصر می‌شد. از این‌رو بیشتر ناشناخته باقی ماند.^۲ چنان که در ایران هم تواریخ درباری موجود، اطلاعات زیادی بین سال‌های ۱۰۷۴ق / ۱۶۶۳م، آخرین سالی که عباسنامه آن را پوشش داده است و سال ۱۱۰۵ق / ۱۶۹۳م، اولین سالی که دستور شهریاران آن را گزارش می‌کند، ارائه نمی‌دهند.^۳ اطلاعات مندرج در این منابع و سایر منابع فارسی زبان، عموماً در مورد تبادل واقعی سفارت خانه‌ها و مأموریت‌های سیاسی است، ولی احکام و اهداف آنها را توضیح نمی‌دهند. به دلیل فقدان گنجینه‌های آرشیوی صفوی در خصوص مکاتبات سیاسی - صفوی، قادر نیستیم اهداف و مقاصد ایرانیان را از خلال آنها وارسی کنیم.

حتی بدون سند و مدرک صریح هم می‌توانیم به آسانی دریابیم که چرا عثمانی‌ها از تجاوز و تسخیر بیشتر شرق خودداری نمی‌کردند. بغداد، شهری که هر دو قدرت برای دست یابی بدان، جنگ‌های زیادی کرده بودند و به کرات در بستر زمان دست به دست شده بود، سرانجام در سال ۱۰۴۸ق / ۱۶۳۸م، به تصرف عثمانی در آمدۀ بود. گفته می‌شود سلطان ابراهیم اول (دورۀ سلطنت ۱۰۴۹ق - ۱۰۵۸ق / ۱۶۴۰م - ۱۶۴۸م) خودش را با توسعه قلمرو عثمانی به سمت شرق بعد از فتح مجدد بغداد، راضی نشان داده است. احتمالاً

توقف خصوصیات صفوی - عثمانی بر هموارسازی رابطه با روسبه تأثیر گذاشت. (رک: 1993 Matthee).

جهت اطلاع از هیئت سیاسی عثمانی در سال ۱۰۹۵-۱۶۸۴ق / ۱۰۹۷-۱۶۸۵م رک: ارجاعات بعدی.

1. Bekir Kutukoglu

۲. کوتولک اغلبو تاکنون دو اثر پژوهشی راجع به روابط سیاسی بین دو قدرت ایران و عثمانی منتشر کرده است. دومین اثر (شرح ویسط اولين اثر) تا سال ۱۶۱۲ را دربردارد (ر.ک: ۴۵-۷ Saray 1990 و ۱۹۹۳ Kutukoglu 1962). به علاوه تعدادی نامه موجود است که توسط سلطان محمد رابع و احمد ثانی، به شاهان صفوی نوشته شده و نوایی آنها را منتشر کرده است (ر.ک: نوایی ۱۹۸۱، ص ۲۰۳-۲۰۵، ۲۵۷-۲۵۰ و ۲۷۱-۲۷۷).

۳. ر.ک: نصیری، ۱۹۹۴. دو نامه توسط شاه سلیمان و وزیر اعظمش محمد طاهر حید قزوینی در اوایل ۱۶۹۰ م برای صدر اعظم عثمانی فرستاده شد که نوایی آنها را منتشر کرده است. ر.ک: نوایی، ۱۹۸۱، ص ۲۷۸-۲۸۱.

ینی چری‌ها پس از یک سلسله جنگ‌های مفتضحانه در ارمنستان، علاوه خود را از جنگ با ایران از دست دادند. ضمناً دولت عثمانی پس از اعدام صدراعظم، کمانکش قرا مصطفی پاشا در سال ۱۰۵۳ق / ۱۶۴۴م، یک دوره بی‌نظمی و آشوب را تجربه کرد. طی دوازده سال بعدی استانبول شاهد جانشینی پی در پی هجده صدراعظم بود. چهار نفر آنها اعدام شدند و یازده نفر معزول گشتند.^۱ مهم‌تر اینکه عثمانی‌ها در همان زمان به دلیل پیشرفت‌های نظامی، در مرزهای غربی شان گرفتار شده بودند. در دهه ۱۶۴۰م، تمایلات و توسعه‌طلبی‌های آنها متوجه مدیترانه گردید؛ جایی که گرفتار جنگ طولانی با ونیز^۲ شدند. این جنگ که در بالای جزیره کوچک کرت^۳ روی داد، تحت عنوان جنگ‌های کاندیا^۴ مشهور است.^۵

در نگاه نخست، بسیار مشکل است که دریابیم چرا ایران از هر گونه تحرکی که به از سرگیری جنگ منجر می‌شد، خودداری کرد. از دستدادن بین‌النهرین، از جمله شهرهای مقدس شیعی، به طور منطقی می‌بایست صفویان را بر آن می‌داشت که از هر فرصتی برای بازپس‌گیری آن مناطق استفاده کنند، بهویژه آنکه عثمانی‌ها هم در محاورای جزیره کرت گرفتار شده بودند. با این حال مطالبی در مورد فرایندهای بلندمدت دولت صفوی می‌دانیم که ما را قادر می‌سازد یک جواب فرضی به آن سؤال بدھیم. مهم‌ترین این فرایندها، انحطاط و زوال قزلباشان بود که به طور سنتی هسته اصلی نیروی جنگی ایران را تشکیل می‌دادند. منابع عصر صفوی روایت می‌کنند که چگونه وزیر اعظم صفویان میرزا محمد ساروق تقی (۱۰۵۵-۱۰۴۴ق / ۱۶۴۵-۱۶۳۴م) در تلاشی آگاهانه جهت تحلیل نیروی قزلباشان از پرداخت مواجب به آنان خودداری کرد. نتیجه این اقدام، سریع آشکار شد. عده‌ای از قزلباشان که مواجب نگرفته بودند در جنگی که در پایی دیوارهای بغداد روی داده بود، قشون ایران را ترک کردند.^۶ طبیعتاً نقشه‌های جنگی جدید با این استراتژی همخوانی نداشت. محمد ساروق تقی، روابط تنگاتنگی با درون قصر سلطنتی، بهویژه با خواجه‌گان و زنان حرم‌سرا برقرار کرده بود. چنان که این دو گروه خودشان در پیشاپیش جنبش خد

1. Mantran 1989' 237.

2. Venice

3. Crete

4. Candian Wars

۵. ر.ک: 120-2 Luft 1968. که عمدتاً بر تحقیقات ژوزف هامر پورگشتال (Purgstall Joseph Hammer) و یوهان ویلهلم زنکایسن (Johan Wilhelm Zinkeisen) و تواریخ درباری فارسی که در دوره سلطنت شاه عباس دوم نوشته شده، مبنی است.

6. cf; colenbrander, 1899, 116.

قریب‌باش قرار داشتند و نقش آنها را هم در تحلیل نیروی قریب‌باشان نمی‌توان نادیده گرفت. علاوه بر این، برخی از شواهد موجود دلالت می‌کند که درگاه، هسته‌گروه صلح طلب را در میان نخبگان حاکم عصر صفوی تشکیل داده بود. در سال ۱۰۳۸ق / ۱۶۲۹م، سال جلوس شاهصفی، جدّه بزرگ شاه در مجلس مشورتی دربار شرکت کرد تا ناخشنودی شدید خود را از شروع جنگ با عثمانی ابراز دارد.^۱ شاردن فرانسوی هم در دهه ۱۶۶۰م جوّ غیرنظامی ایران را ناشی از مداخله خواجه‌گان و زنان حرم‌سرا در امور مملکتی می‌داند.^۲ سانسون، هموطن او، مدّتی بعد گزارش می‌کند که خواجه‌گان قصر سلطنتی، مخالف فروپاشی قدرت عثمانی بودند.^۳

تکاپوها و تحریکات اروپاییان

تمایلات صلح طلبی ایران به طور موقت، طی دوره زمامداری شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق / ۱۶۴۲-۱۶۶۶م) فروکش کرد. شایان ذکر است که این فرمانرو، سپاهی آراست و فرماندهی آن را بر عهده گرفت تا قندهار را از مغولان هند بازپس گیرد، ولی از هر تلاشی برای استرداد بغداد خودداری ورزید. صلح به عنوان یک اصل مسلم از سوی شاه سلیمان اول هم که در سال ۱۰۷۷ق / ۱۶۶۶م، جانشین شاه عباس دوم گردید، پذیرفته شد. دقیقاً در همان زمان، فشار زیاد بین‌المللی بر ایران وارد می‌شد که جنگ با عثمانی را از سر گیرد. معاهده صلح زهاب در عین حال که جنگ گرم بین ایران و عثمانی را خاتمه بخشیده بود، زمینه‌ساز صلح سرد بین دو قدرت گردید. آن معاهده، مشاجرات سیاسی گروه‌های ثالث را که قصد داشتند با برافروخته شدن آتش جنگ بین ایران و عثمانی به اهداف خود نایل آیند، متنفس نساخت. از وقتی که قسطنطینیه در سال ۱۴۵۳م / ۸۵۷ق سقوط کرد و مسیحیان اروپا از پیشوای عثمانی در بالکان و گسترش دامنه تهدیدات عثمانی به اروپای مرکزی هراسان شدند، در صدد برآمدند که یک ائتلاف ضد عثمانی تشکیل دهند. این تلاش‌ها و چاره‌ای بود که پاپ‌ها، ونیزی‌ها و کسانی که زیر فشار تعددی و تجاوزات عثمانی قرار داشتند، پیشنهاد ائتلاف علیه عثمانی نموده و آن را رهبری می‌کردند. در حالی که اتریشی‌ها^۴ بیش از

1. Smidt 1930. 748.

2. Chardin 1811.5: 325-6.

3. نامه‌های سانسون از اصفهان، ۱۳ سپتامبر ۱۶۹۱ در کرول (kroell)، ۱۹۷۹، ۵۰.

4. Austrians

لهستانی‌ها^۱ و روس‌ها^۲ در مقابله با عثمانی نقش خود را به خوبی ایفا می‌کردند، تنها ملت اروپایی که به این جبهه ائتلافی ملحق نشد، فرانسه، رقیب عمده اتریش و سایر قدرت‌های قاره اروپا بود. ایران از دوره فرمانروایی اوژون حسن آق قویونلو (دوره سلطنت ۸۵۷-۱۴۸۲) در کانون توجهات اروپاییان قرار داشت، چراکه می‌خواستند با محاصره عثمانی، آن را در قرنطینه نگه دارند. به دنبال از دست رفتن دریای سیاه که توسط ترابوزان احاطه شده بود،^۳ هیئت‌های سیاسی متعددی بین تبریز، رم و ونیز مبادله شدند.^۴ دامنه قدرت فزانینه صفویان و عثمانی‌ها که به سوریه و بین‌النهرین کشیده شد، اندکی بعد به دشمنی شدید عثمانی - صفوی منجر گردید، به حدی که ایران را به یک شریک فعال این راهکار نظامی مبدل ساخت.

ائتلاف ضد عثمانی

گرچه این امر هرگز به تشکیل ائتلاف واقعی ضد عثمانی منجر نشد، با وجود این، مبادلات زیاد سیاسی از مسیری که ایران و دولت‌های اروپایی را به هم متصل می‌کرد تا آخر عصر صفوی ادامه یافت. مشهور است که شاه سلیمان پیشنهادهای اروپاییان را مبنی بر پیشقدمی ایران جهت ضدیت با عثمانی نپذیرفت. فرانچسکو جملی کارری^۵ عبارتی را به شاه سلیمان نسبت می‌دهد که نشان‌دهنده واکنش او در مقابل تقاضاهای اروپاییان است. بنا به روایت این جهانگرد ایتالیایی، شاه در برابر فشار اروپاییان که می‌خواستند ایران جنگ با عثمانی را از سر گیرد، مصرًاً اظهار داشت: چون با استانبول صلح کرده است نمی‌تواند حرف خود را زیر پا بگذارد. شاه سلیمان در جواب احتجاج اروپاییان که مدعی بودند اگر عثمانی جنگ با اروپا را تمام کند، دوباره جنگ با ایران را از سر خواهد گرفت با بی‌اعتنایی پاسخ داد: «آنان اصفهان را برای او باقی گذارند، او دیگر در بند چیزی نخواهد بود».^۶

1. Poles

2. Russians

3. Trbizonde

4. Palombini 1968, 16-31; Piemontese 1991.

همچنین ر.ک:

Angelo Michele Piemontese's article in the present volume.

و منابعی که در آنجا ذکر شده است.

5. Francesco Gemelli Careri

6. Gemelli Careri 1699-1700, 2:128.

عبارت اخیر ممکن است جعلی باشد و دست کم هیچ شاهد عینی نداشته است. به هر حال، این عبارت در آن زمان استعاره‌ای برای اهمال کاری و بی‌ثباتی شاه سلیمان گردید که تا امروز هم بر آن تأکید می‌شود.^۱ هیچ دلیل و مدرکی دال بر اینکه شاه سلیمان سميل شجاعت و استواری بود، وجود ندارد. همچنین نمی‌توانیم بگوییم که فقدان شاه سلیمان بر سرعت و پیشبرد تصمیم‌گیری‌های درباری که به واسطه دسته‌بندی‌ها آشفته گشته بود، آسیب جدی وارد نکرد. جملی کارری نظر دیگران را منعکس می‌کند، از جمله آنها انگلبرت کمپفر،^۲ از معدود سیاحان غربی است که این ایام، در دربار صفوی سپری کرده است. گرچه او یگانه جهانگرد اروپایی نبود که در این موقع در ایران به سر می‌برد، اما گزارش‌هایی را از خود باقی گذاشته که نتیجه مشاهدات اوست. کمپفر خاطرنشان می‌سازد که شاه سلیمان همیشه می‌گوید: «بی اعتنایی به تجاوزات ناچیز و پرخاش‌گری‌های مختصراً، بهتر از دست زدن به جنگی است که سرانجامش نامعلوم است».^۳ با وجود این، مدلل می‌سازد ضعف و سستی فزاينده حکومت باعث شد که عزم ایرانیان جهت تداوم روابط مسالمت‌آمیز با عثمانی‌ها جزم‌تر گردد. تنفر شاه سلیمان از رویارویی نظامی، نه بی‌قید و شرط بود و نه جامع. در سال ۱۰۸۴ق / ۱۶۷۳م، هنگامی که جنگ جدیدی با عثمانی قریب الوقوع می‌نمود، فرماندهان قشون ایران در تمام ایالاتی که با قلمرو عثمانی هم مرز بودند، حاضر شدند تا از واحدها و ادوات تحت فرماندهی شان سان ببینند و آمادگی جنگی حاکمان را جهت رویارویی با اعلام جنگ احتمالی ترک‌ها ارزیابی نمایند.^۴ روتاییان جهت استحکام دژهای ایروان^۵ به کار گرفته شدند.^۶

طی دوره زمامداری شاه سلیمان، همچنین قشون صفوی به منظور جلوگیری از تهاجمات

۱. داستان توسط پدر کروسینسکی (Father Krusinski) تکرار شده است و در دوره‌های جدید توسط لاکهارت (Lockhart) و دیگران هم برای توضیح راجع به بی‌عزم و ارادگی شاه سلیمان آورده شده است. ر.ک: Krusinski [1740] 1973, 1:58 and Lockart, 1958, 30.

2. Engelbert Kaempfer

3. Kaempfer 1977, 75.

طبق نظر پیشین همین شاهد، این مطلب همچنین وضعیت متزلزل و بی‌ثبات شاه را در مقابل تهاجمات از بکان در خراسان توضیح می‌دهد.

4. Chardin to Cosimo III .Grand Duke of Tuscany. Tabriz, 15 May 1673. Kroell 1982, 318-9.

5. Yerevan

6. Geidarov 1967, 172, referring to Zakariia Aguletsi 1938, 197.

از بکان به خراسان و سرکوبی شورش بابا سلیمان در کردستان، به اردوکشی‌های مختلفی دست یازید. چندین شاهد در واقع، علل اصلی صلح طلبی ایران را فقدان آمادگی جنگی این کشور در رویارویی با عثمانی می‌دانند. جملی کارری مدعی است که احساسات صلح طلبی شاه سلیمان از سوی وزیر اعظم او، شیخ علی خان - که شایع بود ملجم و مأوای ضد مسیحیان است و عقیده راسخی به مذهب تسنن دارد - و سایر مشاوران به او القا، شده بود که عقیده داشتن عثمانی برای ایران همچون سدی است در برابر هجوم مسیحیان. جملی کارری به طور قطع اظهار می‌دارد: «در باریان می‌ترسیدند اگر روزی ترکان منهزم و نابود شوند، حتماً نوبت حمله به ایران خواهد رسید و برای ایران میسر نیست که در برابر مسیحیان به خوبی مقاومت نماید». ^۱

اظهار نظرهای جملی کارری فقط در مورد نیروهایی نیست که از صلح طلبی شاه سلیمان حمایت می‌کردند. او مشاهده کرد که شیخ علی خان به داشتن تمایلات سنی مظنون است و در این راستا شایعاتی را منعکس می‌کند که از بدوان انتصاب شیخ علی خان، حول و حوش این صاحب منصب توانا را فراگرفته بود.^۲ به مرور زمان، دامنه این شایعات به اروپا هم کشانده شد؛ جایی که تصور می‌کردند طرفداری شیخ علی خان از مذهب تسنن، محرك اصلی و عمدتی است که شاه سیست و بی‌اراده را از جنگ با عثمانی باز داشته است.^۳

اثبات عقیده محکم مذهبی شیخ علی خان غیر ممکن است، چه رسد به ارزیابی نقشی که احتمالاً این عقاید مذهبی در ابعاد سیاسی خارجی اش ایفا کرده است. حساسیت نسبت به درخواست‌های اروپاییان و تقویت احساسات ضد مسیحی، نمی‌تواند به عنوان یک عامل محرك نادیده انگاشته شود. به هر حال، محرك‌های آشکار بیشتری در منابع معاصر صفویان به خوبی معرفی شده‌اند، چنان که شاهدان اروپایی خاطرنشان می‌سازند، دو مین

1. Gemelli Careri 1699-1700, 2:128.

2. ر. ک: 1994. و سایر منابع ذکر شده در ارجاعات بعدی.

3. cf; Pietro Ricciardi's *Che nelle emergenze presenti sia necessaria. anzi necessareissima una missione in Persia per dar l'ultimo crollo al Turco commune nemico dell'i Christiani et apportar una grave confusione al Re Francese unico collega del medesimo.*

کپی دست‌نوشته‌ها در وین در سال ۱۶۹۱ م که هم‌اکنون در آرشیو شخصی خانواده سلطنتی هلند نگهداری می‌شوند. آرشیو دولت هلند متعلق به ویلیام سوم، Fol. 18, A 16. اشاره به شیخ علی خان در این رساله است، چراکه او در سال ۱۰۱۱ق/ ۱۶۸۹م درگذشته بود.

عاملی که موجب شد وزیر اعظم به جنگ با عثمانی تمایلی نداشته باشد، این حقیقت بود که املاک شیخ علی خان غالباً در مرزهای بین النهرين قرار داشت؛ یعنی در مجاورت کرمانشاه، در کردستان که قلمرو ایل زنگنه و خاستگاه وزیر اعظم بود.^۱ سومین عامل محرك را پتروس بدیک^۲ بیان می‌کند. او یک کاتولیک (مبلغ ارمنی) در هیئت مأمور سیاسی بود که از سال ۱۶۷۳-۱۶۷۰ق/ ۱۰۸۴-۱۰۸۰ق و نیز از سال ۱۶۷۵-۱۰۸۷ق/ ۱۶۷۶-۱۰۸۴ق، در ایران اقامت نمود و بعداً گزارش مهمی را منتشر ساخت که تاکنون کمتر شناخته شده است. بدیک به صورتی موجه، خطمشی صلح طلبی شیخ علی خان را نسبت به ترکان پیشتر برآمده از سیاست‌های مالی و بودجه‌ای او می‌داند تا هرگونه تمایلات شدید مذهبی.^۳ سایر منابع به صراحة بر جدّیتی تأکید می‌ورزند که شیخ علی خان به اتکای آن، سیاست کاهش هزینه را توأم با افزایش درآمد تعقیب می‌کرد.^۴ به هر حال، چنان که در ذیل خواهد آمد نگرانی‌های استراتژیک و سیع تر، احتمالاً نقش تعیین‌کننده نهایی را در روابط ایران و عثمانی داشته است.

دیپلماسی لهستان

چنان که پیشتر خاطرنشان کردیم، جلوس شاه سلیمان با طوفان فعالیت‌های سیاسی بین‌المللی همراه بود. گسترش این تحرکات از تهاجم موفقیت‌آمیز عثمانی علیه خاندان هابسبورگ^۵ و تهدید نیروی دریایی استانبول در کرت، در اواخر سال ۱۶۶۶م و تمرکز فعالیت‌ها برای اغوای ایران جهت پیوستن به ائتلاف ضد عثمانی نشت می‌گرفت. بعضی از این روابط به مسائل مذهبی و به خصوص مبلغان مذهبی مربوط می‌شد. برای مثال، ماهیت بیشتر مکاتباتی را که بین دربار ایران و واتیکان^۶ صورت گرفته، همین مسئله تشکیل می‌دهد.^۷ باز برای نمونه، لهستانی‌ها در صدد برآمدنند مسائل تجاری و سیاسی خود را با

۱. ر.ک: Ezser 1973, 272

2. Petrus Bedik (Petik)

3. Bedik 1678, 250-1.

۴. در این مورد ر.ک: Matthee. 1994

5. Habsburgs

6. Holy See

7. cf; A *Chronicle* 1939, 1: 417 FF.

ایران مطرح کند. در سال ۱۶۳۷م، انعقاد معاهدهٔ ترک مخاصمهٔ آندروسسو^۱ بین لهستان و روسیه، یک دورهٔ طولانی جنگ و خصوصت بر سر اوکراین را بین این دو قدرت خاتمه بخشیده و افق جدیدی را جهت اقدام هماهنگ علیه عثمانی بر روی آنان گشوده بود. علاوه بر این، معاهدهٔ آندروسسو این نتیجه را به دنبال داشت که به بازرگانان روسی اجازه داد از طریق لهستان به اروپای شرقی بروند و بازرگانان لهستانی هم می‌توانستند از روسیه گذر و به ایران عزیمت کنند.^۲ به دنبال این، یک سفارت لهستانی به رهبری بوگدان گورزیسکی^۳ (گرجی) در سال ۱۶۶۸-۱۰۷۹ق/م، به ایران عزیمت نمود. وظیفهٔ سفارت این بود که ایجاد یک ائتلاف ضد عثمانی را به دربار ایران پیشنهاد کند. به هر حال، این بخش از مأموریت او ممکن است بخشنی از رسالت اصلی و ضروری او بوده باشد. از وظایف اصلی این سفارت، تشویق دولت ایران جهت تصدیق موافقت‌نامه‌ای بود که در سال ۱۰۷۷-۱۰۸۸ق/م، بین روس‌ها و بازرگانان ارمنی ایران منعقد شده بود که به موجب آن بازرگانان ارمنی ایران امتیازات تجاری را به دست آوردند. در عوض قول دادند ابریشمی را که آنها قبلاً به بنادر لوانت حمل می‌کردند، از این پس از طریق روسیه حمل کنند. بوگدان گورزیسکی، به‌ویژه مأموریت داشت بستری را فراهم کند که بخشنی از این جریان جدید بازرگانی به لهستان منتقل شود.^۴ او در ماه شوال - ذی‌قعده سال ۱۰۸۰ / فوریه و مارس ۱۶۷۰ به همراه سر اسقف نخجوان، ماتئوس آوانیک^۵ به حضور شاه سلیمان باریافت. وی به نمایندگی از لویی چهاردهم^۶، پاپ کلمان نهم^۷، دوک توسکانی^۸ و دوچ و نیز^۹ در صدد جلب

1. Andrusovo

2. Troebst 1993. 193.

3. Bogdan Gurdzieck

۴. ر.ک: Zevakin 1940. 144-5; Jozefovicz 1962, 332-4. ر.ک: (Bogdan Gurdziecki) مطلع هستیم؛ یعنی به واسطهٔ شرح مسافرت کشتی‌ساز هلندی استرویزی گورزیسکی (Jan Struysi Gurdziecki) زوراویچ، استرویزی را از بازرگانان ایرانی خرید و از اسارت نجاتش داد. او پس از اینکه یکی از هموطنان خود را به قتل رساند، جرئت نداشت که به لهستان بازگردد و تا سال ۱۰۸۸ق/م، در ایران اقامت نمود. ر.ک:

Struys 1676, 255-8 and Algemeen Rijksarchief, The Hague, VOC, Generale Missiven, Maetsuycker et al, Baravia to Amsterdam, 5 July 1677, in Coolhaas 1971, 180.

5. Matteos Awanik

6. Louis XIV.

7. Pope Clement ix.

8. Duke of Tuscany

9. Doge of Venice

مشارکت ایران در ائتلاف ضد عثمانی بود.^۱ مسکو از مدت‌ها پیش جزء آن دسته از دولت‌های اروپایی بود که سعی داشتند ایران را وارد یک ائتلاف ضد عثمانی^۲ کنند.

هیئت‌های دیپلماتیک

به هر حال، رقابت و خصوصیت بین روسیه و لهستان غالباً مانع شده بود که روسیه بتواند در راستای برقراری تجارت با سایر قدرت‌های مسیحی گامی بردارد. این روند با انعقاد معاهده صلح آندروسوو دگرگون شد؛ چراکه این معاهده، موازنۀ قدرت در اروپای شرقی را تغییر داد و یکبار دیگر تزار را به جمع شرکای فعالی برگرداند که سعی داشتند باب عالی^۳ را در ازوا و قرنطینه نگه دارند. اعزام سه سفارت کامل به اصفهان افزون بر تهیئت معمولی در دهه بعد، نشان‌دهنده این بود که مجدداً علائق و منافعی را در ایران جستجو می‌کنند.^۴

تشدید فعالیت‌های دیپلماتیک در چند سال بعد که در راستای تهدید عثمانی تمرکز یافته بود، طی سال‌های ۱۰۸۳-۱۰۸۵ ق / ۱۶۷۳-۱۶۷۵ م، روی داد؛ سال‌هایی که در آن، کشمکش صفوی - عثمانی، شروع جنگ دیگری را هشدار می‌داد. نمایندگی سیاسی روسیه، انگلیس و فرانسه جهت جلب توجه دربار صفوی با هم رقابت می‌کردند. هیئت‌های نمایندگی فرانسه و انگلیس جهت تحصیل حقوق تجاری یا توسعه آن در اصفهان گرد هم آمدند، چنان که هیئت اعزامی روسیه هم اهداف تجاری را با مقاصد سیاسی درهم آمیخت. نمایندگان روس، خبر پیروزی لهستان را بر ارتش عثمانی در خورزین^۵ به ایران آوردند و هدف‌شان این بود که شاه را ترغیب کنند تا به اتحادی که به تازگی بین لهستان و روسیه برقرار شده بود، ملحق شود و سوی بغداد لشکرکشی کند. عمق این پیچیدگی‌ها هنگامی آشکار گردید که

1. cf; Kevorkian 1989, 15-16.

2. جهت اطلاع از تلاش‌های آنان تا سال ۱۰۴۸-۱۰۴۹ ق / ۱۶۳۹-۱۶۴۰ م ر.ک: Matthee 1993

3. The Porte

4. Bushev 1976. 136. فرستادگان این افراد بودند:

A. Priklonskii, 1671-2; B. E. Mushetskii, 1675-6; S.K. Chirikov;

و هیئت‌ها عبارت بودند از:

I. Men shov. 1670; F. Voznietsyn, 1672; K. Khristoforov, 1673; G. Dolgov, 1674; Fedot ev, 1674. N. Alekseev, 1676; K.K. Khristoforov, 1676; Lorionov. 1676.

5. Khorzin

گریگوری لوزیکن^۱ در سال ۱۰۸۲ق / ۱۶۷۱م، به عنوان فرستاده شاه و نماینده بازرگانان ارمنی جلفای جدید، از مسکو بازدید کرد. بخشی از رسالت او تقاضای غرامت اموال مسروقه بازرگانان ایرانی بود که به واسطه شورش اخیر یاغیان استن کارازین^۲ به یغما رفته بود. خشم مقامات ایرانی به دلیل این مسئله با عصبانیت روس‌ها برابری می‌کرد. علت ناراحتی روس‌ها این بود که شاه موفق نشده بود هیئتی را که به نمایندگی از استن کارازین به اصفهان آمده بود، دستگیر نموده و به دولت متبععش مسترد دارد. به رغم تلاش‌هایی که لوزیکن جهت رفع موانع انجام داد، خودداری مسکو از پرداخت غرامت اموال مسروقه به ایران، گسترش روابط را با مشکل روبه رو ساخت. پذیرایی و استقبال سرد از هیئت نمایندگی روسیه که بعداً به اصفهان آمدند، آشکار ساخت که روسیه چقدر نفوذ و اهمیت خود را از دست داده است. اف. وزنیچسین^۳، رئیس هیئت نمایندگی مجبور شد در مقابل شاه زانو بزنند؛ شاه هم طبق معمول جویای سلامتی تزار نشد. حاجت به تذکار نیست که جلب مشارکت ایران در ائتلاف ضد عثمانی در دستور کار جلسه نبود.^۴

هوشیاری سیاسی شاه سلیمان

شکست لهستان در پادلیا^۵، توأم با تنزل ناگهانی روابط دولت عثمانی - صفوی سبب شد که روسیه و لهستان طی چند سال بعد نیز پیشنهادهای سیاسی خود را به ایران ارائه دهند. روس‌ها به واسطه هیئت اعزامی به رهبری پری کلنسکی^۶ و کریستوفرو^۷، شاه را در سال ۱۶۷۲م، جهت پیوستن به اتحادی که به تازگی از سوی لهستان و روسیه شکل گرفته بود و نیز حمله به بغداد ترغیب کردند.^۸ شاه سلیمان، پیشنهاد کریستوفرو را رد کرد و بدین وسیله

1. Gregori Lusikent

2. Stenka Razin

3. F. Voznictsyn

4. Bauburdayan 1996, 140-2.

5. Podolia

6. Prikolonskii

7. Khristoforo

8. Algemeen Rijksarchief, The Hague, VOC 1302, F. De Haze, Gamron. to R.Van Goens Ceylon. 2 May 1973 fol.731r ; VOC 1285, F. de Haze, Gamron. to Heren XVII, 31 July 1673, fol.381r; & Chardin 1811, 3: 113-5, 203ff.

پدر کاره (Abbe Carre) حضور سفيری از لهستان را در اصفهان، در آن زمان خاطر نشان می‌سازد. در سایر منابع معاصر، از یک چنین فرستاده‌ای ذکری به میان نمی‌آید. چنان که شاردن و هلندیان صرفاً به هیئت نمایندگی روسیه

نیات خود را آشکار ساخت، مبنی بر اینکه او زمانی به بغداد حمله خواهد کرد که روسیه و لهستان واقعاً درگیر جنگ با ترکان باشند، علاوه بر این شاه را مطمئن سازند که بدون جلب نظر او با عثمانی صلح نخواهد کرد. با توجه به بیانات شیخ علی خان که در خلال مذاکره با هیئت‌های اروپایی ایراد گردید و بر آن تکیه شده است، می‌توان به صراحت علل عقیم ماندن راهکارهای بلندمدت سیاسی قدرت‌های اروپایی را دریافت. هنگامی که از وزیر اعظم خواسته شد راجع به تقاضای اروپاییان در خصوص ایجاد ائتلاف ضد عثمانی جواب و توضیح مفصل‌تری بدهد، وی که به نظر می‌رسید پیشکراول حرکت ضد روسیه در دربار بود، در جوابی دندان‌شکن گفت: «قدرت‌های مسیحی به کرات شاه ایران را جهت اتحاد با خودشان برای جنگ علیه ترک‌ها فراخوانده‌اند؛ بعد از آن همیشه بدون حضور متعددشان صلح نموده‌اند».^۱

شاه سلیمان، به رغم مخالفت ظاهری با از سرگیری خصومت با عثمانی‌ها در پاییز سال ۱۰۸۴ / ۱۶۷۳م، عازم قزوین شد، چنان که بعضی این حرکت را به منزله آمادگی جهت شروع جنگ جدید برای بازپس‌گیری بغداد قلمداد نمودند.^۲ شاه سال بعد، طی اقامتش در قزوین یک کشیش اسپانیولی به نام پدرو کوبرو سباستیان^۳ را به حضور پذیرفت. وی نامه‌ای از مارشال لهستان و شاه آتنی یان سوم سوبیسکی^۴ (دوره سلطنت ۱۶۹۶-۱۶۷۴م) همراه خود آورده بود. در این نامه که در ژوئن ۱۶۷۳ تحریر یافته بود، از شاه خواسته شده بود که جهت انجام عملیات نظامی مشترک علیه باب عالی، به ائتلاف لهستان روسیه ملحق شود.^۵ در ماه صفر ۱۰۸۵ / می ۱۶۷۵، گزارش شد که عثمانی‌ها و صفویان بر سر مسئله عوارض راهداری

اشاره می‌کنند. این ممکن است اشاره‌ای باشد به برادر زورایسکی که به نظر می‌رسد به اصفهان رفته است تا خواهش کند اجازه دهنده بودگان به عنوان یک مسلمان در ایران اقامت نماید. ر.ک: Algemeen Rijksarchief, The Hague. VOC. Genetale Missiven, Maetsuycker et al, Batavia, to Amsterdam, 5 July 1977. in Coolhaas 1971, 180, In Jumada I 1084/August 1673.

مأموری از جانب پاشای بصره وارد اصفهان شد، به هر حال مأموریت او ربطی به کشمکش نداشت: Carre 1947, 2: 809-10. & Chardin 1811, 3: 134-5.

1. Chardin 1811, 3: 203.

2. Algemeen Riksarchief, The Hague, VOC 1291, Gamarom to Heren XVII, 27 April 1674, fol 596v.

3. Pedro Cubero Sebastian

4. Jan III Sobieski

5. cf, Richard 1995, 1: 97.